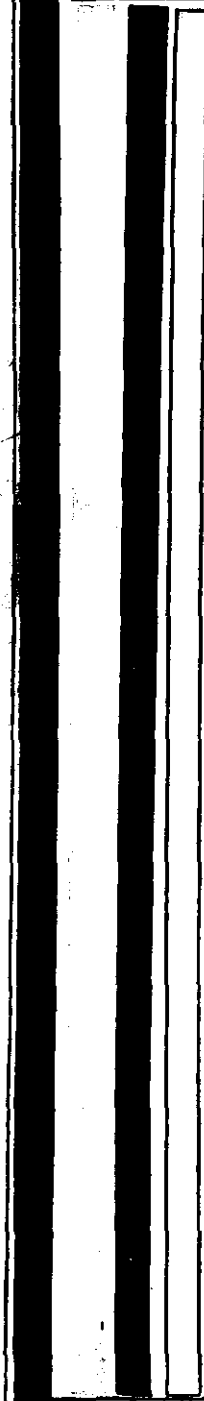
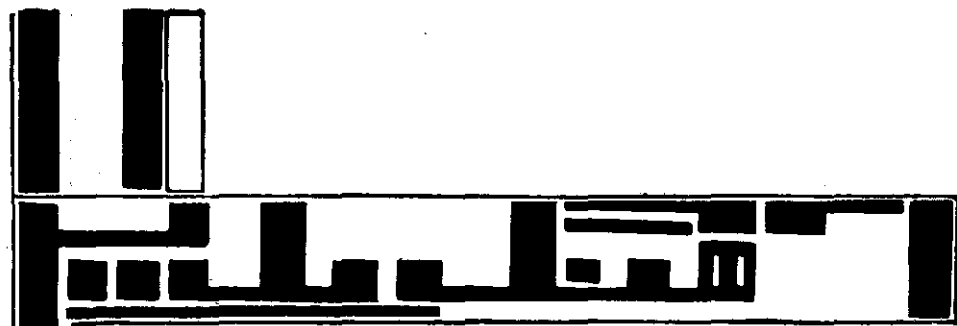
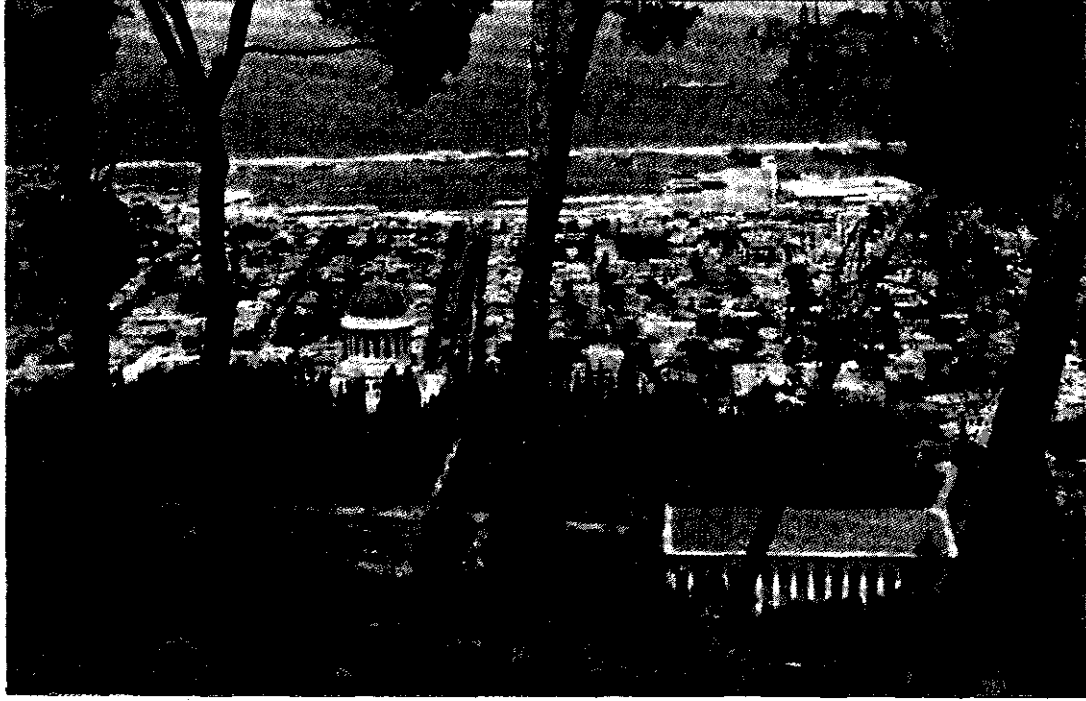


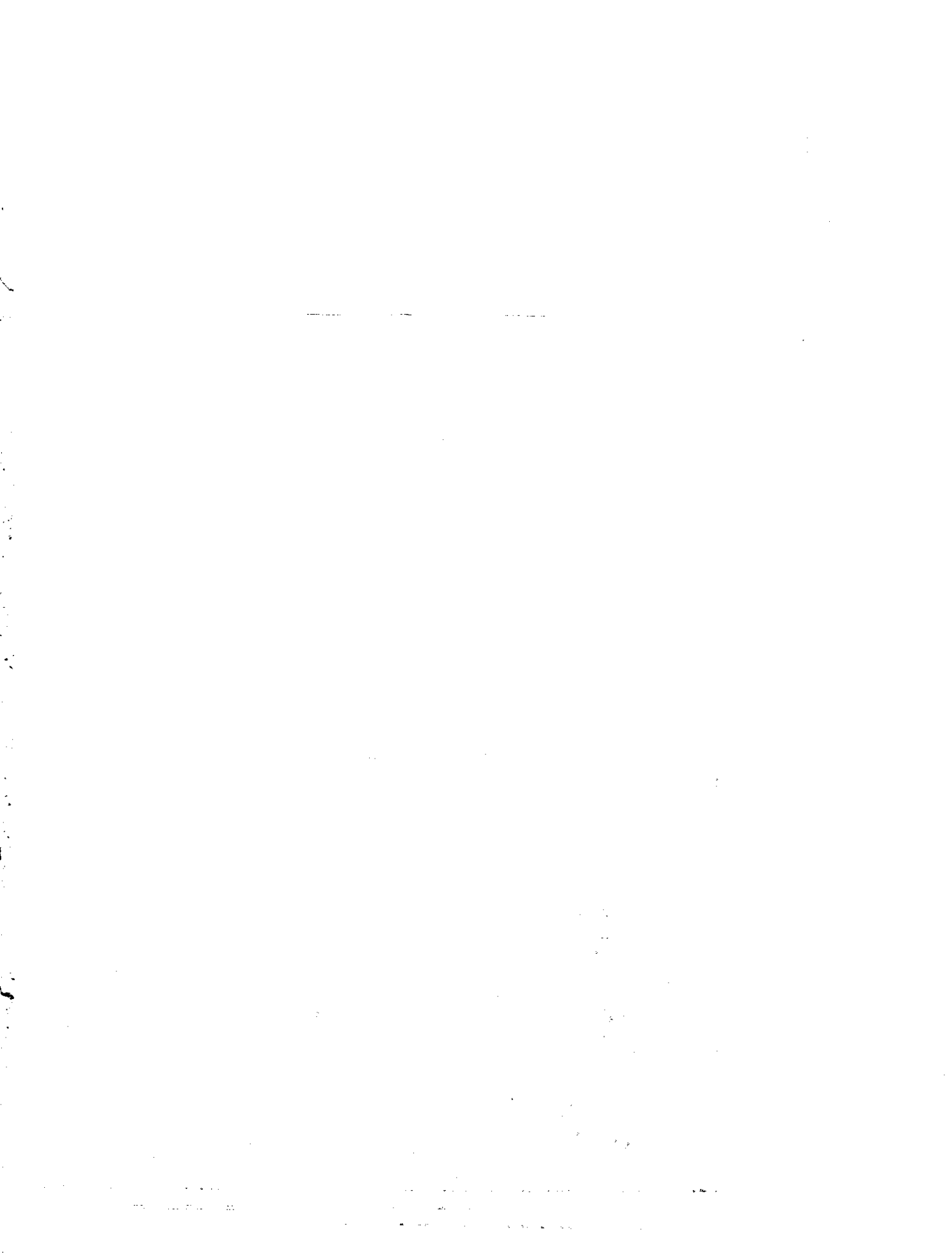
19  
1/1

S.O



10-21-3  
11-9-3





هر سند  
یک

اجباراً قطعاً نباید هیچ حزبی داخل شوند  
و در امور سیاسی مداخله نمایند. حضرت عبدالبهاء

# آهنگ بدیع

مخصوص جامعه بهائی است

شهرالبهار، شماره ۱۲۱ بدیع

فروردین ۱۳۴۳

مارس - آوریل ۱۹۶۴

شماره مسلسل: ۲۰۵

شماره ۱ سال ۱۹

## فهرست مندرجات

### صفحه

- |    |  |
|----|--|
| —  | ۱- لوح مبارك حضرت عبدالبهاء* جل شناه   |
| ۴  | ۲- سرآغاز                              |
| ۵  | ۳- پرورش شخصیت                         |
| ۱۰ | ۴- كتاب اقدس                           |
| ۱۸ | ۵- بهار امسال ( شعر )                  |
| ۲۰ | ۶- غروب آنروز                          |
| ۲۴ | ۷- بشارات كتب مقدسه در باره ظهور مبارك |
| ۲۸ | ۸- سفینه* حق ( شعر )                   |
| ۲۹ | ۹- تبلیغ در ترن                        |
| ۳۰ | ۱۰- صفحه ای از يك كتاب                 |
| ۳۵ | ۱۱- جدول آهنگ بدیع                     |

الی الہی تری و جوا نضرہ مستبشرة بفتحات ازہار ریاض ملکوت الابی  
و مستضیة بانوار جبروتک الاعلی و شاد ہیب کل الاجار متمرة بنبات الیحا  
و قلوب الاصفیاء منجدتہ بایات قدس الاسرار ای رب اور علیہم کاس  
الاسرار و نور جہانہم بضمیر اشرف فی اصباح الفلاح و اسمعہم  
متعات طیور القدس فی ایلد البجاح و اطربہم بامتاع امان الوردان  
فی روضہ الغنات و اخلدہم فی حبة الابی حد یکتب بخلب ربی ربی  
اسکرہم من صہبار العسرفان و اذقم حلاوة الاذکار فی الغدو و الاصال  
و اجمع شملہم و اکرم مشواہم و اخطمہم فی کف عمدک عن شبہات النابین  
و وسوس التزلزلین و اجعلہم معدن اعلم و اعلم و یقین ثبت اقدامہم  
علی الصراط المستقیم و کلمہم فی الارض نیا و ابا سمک احرار انی ظل ملککم العادل  
و ملککم الکامل الزافع علم الانصاف فی ملک الاطراف الباسط الکف ملکات  
فی ملک الانحاء الحامی لاحب آلہہ الحافظ لاصفیاء آلہہ بکلمت ملک الشر  
الممتدہ ادق مجدہ فی الغرب انک انت ولی الامر و انک علی کل شیء شہید

حلول عیسوی نوروزی با قلمبر معلوم از سرور و شکرانه بمجموع حملندگان عزیز تبریک و  
تهنیت

زانت جمال قلمبر جادارد اجاب بر باوفا شیراد و خطیریت و صحت و بلاعد

اعظم الموفق کلمات با جبر و شیر

این تحسیریه است

# سراغاز

با تأییدات لاریبیه جمال اقدس ابهی جل اسمہ لا علی نوزد ہمین سال انتشار "آهنگ بدیع" با این شماره آغاز میگردد .

سالی که گذشت از نظر حوادث جسمیه ووقایع مهمه ای که در عالم بهائی رخ داد بی تردید یکی از مهمترین سالهای تاریخ این امر شمار می رود و نقطه تحولی در دین مقدس بهائی محسوب میشود .

در این سال بود که یکصد سنه از جلوس جمال معبود براریکه جلال گذشت وستایندگان اسم اعظم در سراسر عالم این واقعه مهم را همزمان با اختتام نقشه دهساله باشکوه و جلال تمام جشن گرفتند و به ستایش و نیایش آن جمال بی مثال پرداختند .

عظیمترین و باشکوه ترین این جشنها در جوار مقام پیرانوار مولای اهل بها حضرت ولی امرالله با شرکت هزاران نفر از پیروان اسم اعظم از ملل و قبائل و امم مختلفه برگزار شد و حیرت و اعجاب دوست و دشمن را برانگیخت .

در این سال بود که نمایندگان ۵۶ جامعه ملی و ناحیه ای بهائی از شرق و غرب عالم در جوار مقام مقدسه علیا در بیت حضرت عبدالهبا<sup>۱</sup> مجتمع شدند و به انتخاب اعضای نخستین دیوان عدل الهی آن مرکز منصوص و معصومی که تأسیس آن یکصد سال قبل از طرف شارع این آئین مقدس وعده داده شده بود پرداختند :

صهیون برقص آمد بها<sup>۲</sup> کرمل بر آفاق تجلی نمود و عود انبیای سلف تحقق یافت و سفینة الله بر کرمل جاری شد .

"رجال عدل" برکرسی اقتدار جالس شدند و زمام امور جامعه جهانی بهائی را بدست گرفتند .

\* \* \*

"آهنگ بدیع" مفتخر است که در سال گذشته بمقتضای وظیفه و مسئولیتی که بمعهد داشت این حوادث عظیمه ووقایع جسمیه را در صفحات خود منعکس نمود و موفق گردید شماره مخصوصی نیز بیاد بود این وقایع تاریخیه تهیه و منتشر نماید .

\* \* \*

سالی که در پیش داریم از آن جهت که مبداء<sup>۳</sup> نقشه نه ساله بیت المدل اعظم الهی و اعلان شروع مرحله جدیدی از خدمات منظم یاران رحمانی در اقطار جهان تحت هدایت و قیادت این مقام منیع است بلاشک ممتاز و کم نظیر خواهد بود .

نقشه<sup>۴</sup> منیعه نه ساله که از طرف دیوان عدل الهی تدوین گشته و قریباً به جامعه جهانی بهائی ابلاغ خواهد شد مسلماً وظائف و مسئولیت های جدیدی بمعهد فرد فرد یاران در سراسر عالم خواهد گذاشت .

هیئت تحریریه آهنگ بدیع درقبال مسئولیتی که در موقعیت خطیر کنونی بمعهد دارد امیدوار است با تأییدات الهیه و معاضدت و مساعدت دوستان بتواند در راه تحقق اهداف این نقشه منیعه گامی بردارد و به توفیق خدمتی در این راه نائل آید .

"هیئت تحریریه آهنگ بدیع"



تحولات شگرفی که در زمینه عقاید و افکار مربوط به تعلیم و تربیت در چندین سال اخیر پدید آمده بویژه اقبال عمومی باین نوع مسائل خود موجب شده است که دانشمندان علوم تربیتی در این زمینه به تحقیق و تتبع پردازند و حاصل تحقیق خویش را بصورت رسالات و کتب مختلف در دسترس علاقمندان بگذارند. این تحقیقات بالمال موجب میگرد که اندیشه های دلپذیر اثبات پذیرد.

نکته ای که در این مقال از آن سخن می رود مسئله اهمیت پرورش شخصیت نونهالان است. از شخصیت تعاریف گوناگونی شده است ولی آنچه در این جا از آن مقصود است آن است که شخصیت مجموعه ای از قوای مادی و معنوی است و در واقع مجموع این قوا است که موجب میگرد فرد از خود عکس العملی نشان دهد. روانشناسان معتقدند که شخصیت از دو عامل یا دو عنصر تشکیل یافته اول - عامل مزاج یا طبع (۱) دوم - عامل خلق یا منش (۲) . عامل اول بستگی به خصوصیات بدنی و شرایط جسمانی فرد دارد که بطریق توارث از پدر و مادر گرفته شده در حالیکه عامل دوم یعنی خلق یا منش صرفا اکتسابی است و از طریق تربیت حاصل میگرد.

حضرت عبدالبهاء جل ثنائہ در همین زمینه در پاسخ آنکه اخلاق در بین نوع انسان چند نوع است چنین میفرمایند:

" اخلاق فطری و اخلاق ارثی و اخلاق اکتسابی که به تربیت حاصل میگرد. اما اخلاق فطری هر چند فطرت الهیه خیر محض است ولیکن اختلاف اخلاق فطری در انسان بتفاوت درجات است . . . . اما تفاوت اخلاق ارثی این از قوت و ضعف مزاج یعنی ابوی چون ضعیف المزاج باشند اطفال چنان گردند و اگر قوی باشند اطفال جسور شوند . . . . و اما تفاوت اخلاق من -

## آهنگ بدیع

حیث التربیه این بسیار عظیم است زیرا تربیت بسیار حکم دارد . نادان از تربیت داننا شود . . . . شاخه کج از تربیت راست شود . . . . " ( ۱ )

طبق بیان مبارک حضرت مولی الوری عامل مهم در تکوین اخلاق و شخصیت انسان تربیت اکتسابی است . صحت این نظریه بعد از مباحثات بسیار از طرف دانشمندان روانشناس — باثبات رسیده است . تا قبل از اوائل قرن بیستم بیشتر روانشناسان با اهمیت ذاتی یا همان اخلاق فطری را در تکوین شخصیت مؤثر تر میدانستند و بر این اندیشه بودند که هر فردی از افراد انسانی با فطرت خاصی پا بدین جهان می نهد و نیز معتقد بودند که طبیعت و فطرت انسانی نیز متفاوت است . فردی ممکن است ذاتا هرور بدنیا آید و شخصی دیگر با فطرتی پاک دیده بجهان خاک گشاید . همین افکار طلیعه پیدایش فرضیاتی چون نظریه "جانی بالفطره" از طرف لمبروز و دانشمند ایتالیائی در حقوق جنائی گردید .

حضرت مولی الوری در مقامی دیگر این مسئله را چنین تحلیل میفرمایند :

" در وجود شر نیست آنچه خدا خلق کرده خیر خلق کرده این شر را جمع به اعدام است . . . . خیر امر وجودی است . شر امر عدمی " ( ۲ ) این بیان شاهی است صادق بر مردود بودن نظریات دانشمندی که معتقد بودند در فطرت انسانی نیز شر وجود دارد . بررسی هائی که بعدا در این زمینه بعمل آمد ثابت کرد که فرضیه لمبروز توهمی بیش نبوده است و از سوی دیگر با پیدایش اصول روانشناسی جدید این حقیقت باثبات رسید که اهمیت عامل تعلیم و تربیت ( تربیت اکتسابی ) بسی بیشتر از عامل ذاتی ( اخلاق فطری ) در انسان است . اینک مناسب چنان است که اجمالا به بررسی تأثیر هر یک از عوامل خارجی بر روی شخصیت پرداخته شود تا نقش هر یک از این عوامل تا آنجا که ممکن است روشن گردد .

### تأثیر محیط خانواده در شخصیت

محیط خانواده یکی از عوامل مؤثر بر روی شخصیت اطفال است . روانشناسان بعد از — تحقیقات بسیار روی طبقات مختلف کودکان باین نتیجه رسیده اند که هرگاه خانواده کانون محبت و صفا باشد کودکانی که در این چنین خانواده هائی پرورش یابند افرادی سالم و مفید بحال اجتماع بار میآیند .

( ۱ ) و ( ۲ ) مفاوضات .



## آهنگ بدیع

در خانواده مادر نقش مهمتری را از پدر داراست زیرا مادر مصاحب دائمی فرزند خویش است. در این دور نیز به تربیت دختران بیش از تربیت پسران اهمیت داده شده است زیرا دختران امروز مادران فردا هستند و بیان مبارک حضرت عبدالبها<sup>۱</sup> جل شانه گواه بر این مطلب و اهمیت آن است:

"... اگر بدیده حقیقت نظر گردد تربیت و تعلیم دختران لازم تر از پسران است زیرا این بنات وقتی آید که مادر گردند و اولاد پرور شوند و اول مری طفل مادر است... (۱)"

"... اول مری اطفال مادرانند زیرا طفل در بد و نشوونما چون شاخ ترو تازه باشد بهر قسم بخواهی تربیت توانی. اگر راست تربیت کنی راست گردد و در کمال موزونی نشوونماید... (۲)"

زیگموند فروید نشان داد که پدر و مادر و طرز سلوک و رفتار آنان نسبت بفرزندانشان نقش بزرگی را در تکوین شخصیت اطفال بازی میکند. محبت فوق العاده بفرزندان موجب میشود که شخصیت آنان به تباهی گراید و افرادی متکی بدیگران بار آیند.

از طرفی دیگر راس استاگنر (۳) روانشناس نشان داد که اعمال مجازات و ضرب و شتم اطفال موجب انحراف و طفیان اطفال گردیده و اطفالی که در چنین خانواده هائی پرورش یابند بالمآل افرادی طاغی - منحرف و یا گوشه گیر و خیالپرداز به ثمر خواهند رسید.

بیان مبارک حضرت عبدالبها<sup>۱</sup> مویذ این حقیقت است:

"... پس امهات باید طفلان خردسال را مانند نهالها که باغبان می پرورد پرورش دهند. شب و روز بکوشند که در اطفال ایمان و ایقان و خشیت رحمن و محبت بر آفاق و فضائل اخلاق و حسن صفات تأسیس یابد. مادر اگر از طفل حرکت ممدوحی بیند ستایش کند و تحسین نماید و تسریر خاطر طفل کند و اگر ادنی حرکت بی قاعده ای صدور یابد طفل را نصیحت کند و عتاب ننماید و وسائط معقوله حتی زجر لسانی جزئی اگر لازم باشد مجری دارد ولی ضرب و شتم ابدًا جائز نیست. بکلی اخلاق اطفال از ضرب و شتم مذموم گردد... (۴)"

در خانواده ای که پدر و مادر روابطشان بر پایه های صمیمیت و محبت و انجذاب حقیقی

---

(۱) مجموعه الواح چاپ عکسی (۲) مکاتیب جلد اول (۳) ROSS STAGNER

(۴) مجموعه الواح عکسی.

## آهنگ بدیع

استوار باشد کودکان آنان نیز افرادی مثبت و فعال بار می‌آیند و بعکس در خانواده‌هایی که اساسش متزلزل باشد کودکانشان نیز افرادی بی ثبات و مخرب خواهند بود .

چون کودک متناسب سنّ دارای قابلیت فهم و ادراک است لذا از نظر درک مسائل عادی که در محیط او میگذرد هیچ نقیصی براو متصور نیست . اعمال و اقوال پدر و مادر بالاخص از چشم تیزبین او مخفی نمی ماند . بطور خلاصه محیط خانواده آئینه تمام نمائی است از افکار و اطوار پدر و مادر که انوارش در منشور خاطر اطفال منعکس میگردد .

عوامل مخرب شخصیت اطفال در محیط خانواده بسیار است از آن جمله نزاع و مشاجره لفظی بین والدین و استمرار و مداومت بر این کار موجبی است برای آنکه به شخصیت کودک لطمه وارد آید و روح حساس و ظریف او آزرده شود و عقده‌هایی در او پدید آید و بالاخره طلاق در خانواده سبب میشود که طفل بکلی همبستگی عاطفی خود را با پدر و مادر خویش از دست بدهد و از محبت صمیمانه و خالصانه والدین خویش محروم ماند .

### تأثیر محیط آموزشی در شخصیت

کودکان که سالهای معینی از عمر خویش را در محیط مدارس میگذرانند در حقیقت مقداری از شخصیت خود را در این گونه محیط‌ها تکامل می بخشند . در این جا است که باید توجه داشت محیط مدارس صرفاً محیط و مرکز آموزش و تعلیم نباشد . مع التأسف باین حقیقت کمتر توجه شده و مدارس موجود فقط به تربیت فکری و پرورش ذهنی کودک ارجح می نهند و به پرورش روحانی و تربیت عاطفی نونهالان عنایتی نشده است .

در آثار مبارکه باین دو نکته یعنی تربیت فکری و تربیت اخلاقی و روحانی اطفال اشاره گردیده و بیان مرکز عهد و پیمان حضرت مولی الوری شاهد این مقال است :

" در مدارس باید ابتدا تعلیم دین گردد بعد از تعلیم دیانت و انعقاد قلوب اطفال بر محبت حضرت احدیت به تعلیم سایر علوم پرداخت . . . . "

همچنین در باره<sup>۶</sup> تقدم تربیت روحانی نسبت به تربیت فکری و اهمیت تربیت روحانی چنین میفرمایند :

" اما اساس اخلاق الهیه است و فضائل و خصائل مدوحه انسانیه . . . اگر نفسی امی باشد ولی با اخلاق الهیه متخلق و بنفس رحمانی زنده آن بیسوادی با و ضرری نرساند و این نفس سبب خیر عموم است . اگر چنانچه جمیع فنون را تحصیل نماید و متدین نباشد و متخلق با اخلاق

## آهننگ بدیع

الهیة نگردد و نیت خالصه نداشته باشد منہمک در شہوات گردد و مضرت محض است. . . . ولی اگر اخلاقش رحمانی و صفاتش نورانی و مسلکش ریائی و انجذابش سبحانی و علوم سفره را تحصیل نماید آنوقت نور علی نور است ظاهرش روشن باطنش منور قلبش سلیم فکرش عظیم ادراکش سریع شأنش جلیل . . . ."

### تأثیر محیط تشکیلات امری در شخصیت

روشن است که محیط تشکیلات امری و مجامعی که در ظل نظم بدیع آراسته شود تأثیرشایانی در سلامت فکری و تربیت روحانی و معنوی افراد بالاخص نونهالان و جوانان دارد. هرچند برای یکفرد میسر نیست که اوقات زیادی از عمر خویش را در اینگونه مجامع و احتفالات بگذراند و در حقیقت نسبت در صد صرف وقت یکفرد در محیط تشکیلات در مقام مقایسه با نسبت در صد صرف وقت او در اجتماع و محیط خارج رقم بسیار کوچکی را تشکیل میدهد اما نباید نادیده انگاشت که همین اوقات در محیط های امری در ظل تربیت بهائی اثر بشمارد و روحیه شخص بجا میگذارد و این تشکیلات و اجتماعات امری وسیله ای است از برای تقویت اندیشه و تربیت معنوی و روحانی یک فرد.

### تأثیر اجتماع بر روی شخصیت

محیط اجتماعی یکی از عوامل مهم پرورش شخصیت انسان و باروری اندیشه او است. جاندار (۱) استاد روانشناس آمریکائی معتقد است که عوامل اجتماعی و فرهنگی - آداب و رسوم اجتماعی در ساختن فکری کودک تأثیر قطعی دارد بعبارت دیگر شخصیت کودک از فرهنگ اجتماعی که او در آن پرورش یافته غیر قابل انفکاک است.

از یاد بزرگ های اطفال و ناسازی و ناهماهنگی آنان با محیط اکثر مولود معاشرت های نامطلوب با معاشرین بد در اجتماع است. وظیفه پدر و مادر است که در انتخاب دوست و معاشر فرزند خویش با و کمک و راهنمایی نمایند. این نکته شایان توجه بسیار است زیرا معاشرنا جنس موجب میشود که اخلاق طفل بکلی تغییر یابد و اطوار و رفتار او بسرعت روبه تباهی و فساد نهد. چه زیبا و رسا است این بیان جمال ابهی در این مقام که: "زینهار ای پسر خاک با اشرار الفت مگیر و مؤنست مجو کسه مجالست اشرار نورجان را بنار حسبان تبدیل نماید." (۲)

و ایضا میفرماید: "ای دوست در روضه قلب جز گل عشق مکار و زایل بلبل حب و شوق دست مدار - مصاحبت ابرار اغنیمت دان و از مرافقت اشرار دست و دل هر دو بردار." (۳)

(۱) JOHN DOLLORD (۲) و (۳) کلمات مکتونه.

« هذا كتاب اصح مصباح القدم للعالم وصرح الاقوام بين العالمين  
قل ان المطع علم الله لو اتم تعلمون وشرق ادم الله لو اتم تعرفون »

فقيه وندون : دکت محمد افان - نصرت الله حینی

براهناتی فاضل فقید - جناب علوی

## « کتاب اقدس »

اساس امر حضرت بهاء الله و ام الكتاب دیانت مقدس بهائی کتاب مستطاب اقدس است که در این مختصر ذیل مباحث چندی آنرا معرفی خواهیم کرد تصور نمیروید خوانندگان عزیز را - چنین اشتباهی دست دهد که این اوراق معدوده حق مطلبی را که محتاج بتحقیق و تتبع فراوان و تألیف رسالات متعدده است ادا خواهد نمود و اگر بحقیقت توجه شود اقلام و دانش بشری قادر بر معرفی و توصیف چنین اثر جلیلی نیست و جز قلم اعلا بشر کسی چنین حق عظیمی را نخواهد گزارد و اکنون اگر در این مقاله در زمینه معرفی کتاب مجید کوششی شده همه متکی بر آثار مبارکه و در حقیقت گلچینی از آن گلستان الهی و بهارستان معنوی است بدان مقصد که عزیزان را بکار آید و مشتاقان را مشام جان معطر نماید .

### اهمیت و عظمت کتاب

در اهمیت این سفر جلیل همان بس که بلقب مهیمن ام الكتاب تسمیه یافته است - اهمیت این کتاب اختصاصاً در آنست که اصول و مبانی نظم بدیع بهائی و تمدن و فرهنگ امر در آن صریحاً تدوین و تصریح شده و پایه و اساس جامعه امر در آتیه و خط مشی و روش اجتماع - فردی و عمومی در آن بنیان یافته و تعیین شده است - در واقع کتاب اقدس دستور العمل کلی و پایه قوانین و مقرراتی است که لا اقل مدت هزار سال باید بشریت را هدایت و صیانت فرماید و این دستور العمل اصولی در آثار صبین و مروج امرالله حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله جلت عنایاتهما مفصلاً تبیین و توضیح و تفهیم گردیده است .

### تاریخ نزول

کتاب مستطاب اقدس در ابتدای ورود بسجن اعظم عکا عز نزول یافت - هنگامی که حضرت بهاء الله جل اسمہ الاعلی در بیت عبود و عودی خمماً ر (UDI KHAMMAR) سکونت اختیار فرمودند ابتدای نزول این کتاب مجید است - از بعضی مطالب تاریخیه وارده در آیات مبارکه اقدس میتوان تاریخ تقریبی نزول آن را پیش بینی نمود - در آیات ۲۱۰ الی ۲۱۵ خطاب

## آهنگ بدیع

بامپراطور آلمان باین بیان مبارك " ازكر من كان اعظم منك شأنًا و اكبر منك مقامًا " ذكر خسران و ذلت ناپلئون سوم امپراطور فرانسه را میفرماید این واقعه در سال ۱۸۷۰ مطابق با ۱۲۸۶ اتفاق یافت. در آیات اخیر کتاب اقدس خطاب بمیرزا یحیی ازل این چنین از سید محمد اصفهانی که در سال ۱۲۸۸ در عكا مقتول گردید یاد میفرمایند " قد اخذ الله من اغواك الخ " آیه ۴۶۲. چنین بنظر میرسد که ابتدای نزول کتاب مستطاب اقدس بعد از سال ۱۲۸۶ و اتمام آن نیز در حدود سال ۱۲۸۸ ببعده است شاهد این مطلب اثری است بامضای خ ا د م ۶۶ (الله) مورخه ۱۵ جمادی الاول ۱۲۹۰ هجری که فاضل جلیل و استادی فقیه متساعد الی الله جناب آقا میرزا اسدالله فاضل مازندرانی علیه بهاء الله و غفرانه در مقدمه مجموعه نفیسه " امر و خلق " بیان استشهاد کرده اند و در ذیل شان نزول کتاب اقدس عیناً نقل میشود. از این اثر چنین استنباط میشود که کتاب اقدس در تاریخ ۱۲۹۰ کامل بوده و منتشر گشته است حضرت ولی مقدس امرالله در لوح قرن احبای آمریکا (کتاب قسرن بدیع) ( GOD PASSES BY ) تاریخ نزول کتاب اقدس را سال ۱۸۷۳ که مطابق با ۱۲۸۹-۹۰ است مصحح فرموده اند و بیان مبارك تأیید مطالب فوق الذکر و اشاره بزمان اتمام کتاب جلیل است.

اکنون که بتاریخ نزول این کتاب مطلعیم بهتر میتوانیم موقعیت خاص امر را در آنزمان و توجه عموم را بمقام منزل آن بشناسیم بهترین معرف این مقام الهی آیات کتاب مستطاب اقدس است. جمالقدم مکرراً در آیات کتاب الله مقام منیع مظهریت کامله کلیه خود را بالقاب متنوعه من جمله ولایت مطلقه الهیه ذکر میفرمایند آیات نازل در این خصوص بقدری مهیمن و متعالی است که هر سامع بصیری را منقلب میسازد. حضرت عبدالبهاء در پاره از بیانات و خطابات خود از ایام سجن جمال مبارك یاد میفرمایند که اگرچه بظاهر مظلوم و مسجون بودند بواقع مانند سلطان مقتدری حرکت و سلوک میفرمودند چه بسا از اعظام و رجال که قصد تشرف بآستان مبارك داشتند و اجازه نمی یافتند واقعا ایام اخیر حیات مبارك که در عكا گذشت ایام سطوع شمس الهی باشد اشراق بود و این مطلبی است که حتی افراد غیر بهائی در هنگام تشرف متوجه گشته اند و در یادداشتهای خود ذکر نموده اند در چنین موقعیت خاص و ممتازی کتاب مستطاب اقدس نازل شد و تشریح شریعة الله کامل گشت.

شان نزول کتاب اقدس تشریح و تعیین حدود و احکام الهیه بوده تا در شریعة بهائیه

## آهنگ بدیع

مانند شرایع سابقه بدست مردم و بمیل آنان اصول و احکام تأویل و تفسیر نشود بهمین جهة احادیث و روایات را در شرع بهائی ارزش و اعتباری نیست و افراد جامعه از تأویل و تفسیر آیات ممنوعند. تأویل ظاهره آیات تحریف کلام الهی است - تبیین آیات بمركز منصوص راجع - و تشریح قوانین غیر منصوصه در آثار الهیه بمركز بین الطلی بیت المدل عمومی راجع است - حضرت بها<sup>ع</sup> الله بالجمله علل و عوامل تفرق و انشعاب را بنزول این کتاب مبارک قطع و سبب فرمود .

در شأن نزول کتاب الله این آیه مبارکه نازل شده : قد حضرت لدى العرش عرائض شتی من الذین آمنوا و سئلوا فیها الله رب ما یری و ما لا یری رب العالمین لذا نزلنا اللوح و زیناه بطراز الامر لعل الناس باحکام ربهم یعملون و کذلک سئلنا من قبل فی سنین متوالیات و امسکنا القلم حکمة من لدنا الی ان حضرت کتب من انفس معدودات فی تلك الایام لذا اجبناهم بالحق بما تحیی به القلوب .

در اثری بامضای خ ا د م ۶۶ مورخه ۱۵ جمادی الاول ۱۲۹۰ " و در این ایام کتاب اقدس از سما<sup>ع</sup> مقدس نازل طوبی لمن ینظر فیہ و یتفکر فیما نزل من آیات به المہمین القیوم - و سبب آنکه در سنین معدوده از اطراف بعضی مسائل در احکام الهیه سؤال نمودند و لکن قلم اعلی متوقف در ارض سر بلسان پارسی مختصری نازل و لکن بطرفی ارسال نشد حسب الامر در محل محفوظ بود تا آنکه در این ایام مجددا عرائض سائلین بساحت اقدس حاضر لذا بابدع الحان بلسان آیات این کتاب بدیع منیع نازل . . . . طوبی لذائقه یجد حلاوتها ولذی بصر یعرف ما فیها ولذی قلب یطلع برموزها و اسرارها تالله یرتمد ظهر الکلام من عظمة مانسزل و الاشارات المقنعه لشدة ظهورها .

( استشهاد از مجموعه " امر و خلق " )

مخاطب این سفر جلیل عالم و عالمیان بطور عموم و منتسبین بامر حضرت بها<sup>ع</sup> الله بطور خصوص میباشند . ملوک و سلاطین بطور اعم و چند نفر از امپراطوران اروپا بطور اخص و روسای جمهور آمریکا و امرای عالم و علمای ادیان و علمای بهائی بتناسب مورد خطاب و عتاب یا عنایت و الطاف واقع شده اند - میرزا یحیی ازل برادری جمال قدم و اسم اعظم نیز اختصاصا مورد خطاب واقع شده و باو نصیحت میفرمایند و نیز بنام عده ای از مؤمنین و معرضین مشهور از جمله گندم پاک کن اصفهانی علیه بها<sup>ع</sup> الله و شیخ محمد حسن نجفی و حاج محمد کریمخان کرمانی و

## آهنگ بدیع

سید محمد اصفهانی نیز تصریحا و یا تلویحا اشاره شده است - ولی غالب مطالب این اثر مبارک جنبه عمومیت دارد خطاب و بیان مبارک بیشتر متوجه اهل عالم خصوصا جمع اهل بهاست و متضمن مطالب کلی و اصولی است .

کتاب مستطاب اقدس در آثار مبارکه بالقاب متعدده متنوعه تسمیه یافته است که از آن جمله است فرات الرحمه - سفینه الاحکام - میزان العدل - اورشلیم جدید نازله از سما - رق منشور سفر قدیم - صحیفه علیا - مرجع اعلی - حجة عظمی - مشکوة الفلاح فی ملکوت الابداع - قسطاس الهدی بین الوری - برهان الرحمن فی الارضین و السموات .

این اثر مبارک مکررا بچاپ رسیده و توسط عده زیادی از خوشنویسان و خطاطان صدر امر نیز استنساخ شده است - نسخ اقدس بخط ملازین العابدین نجف آبادی اصفهانی معروف بزین المقربین تالی نسخه اصل و ملاک اعتبار و اعتماد است و حضرت عبدالبهاء جل ثنائه نیز باین مطلب مخصوصا اشاره فرموده اند - اولین بار کتاب مستطاب اقدس در بمبئی در سنه ۱۳۰۸ بخط میرزا محمد علی بوسیله چاپ سنگی منتشر گردید - سپس در سال ۱۳۱۴ مجددا با حروف سربی در بمبئی انتشار یافت در هر دو نوبت بضمیمه این اثر مبارک بعضی از الواح و آثار دیگر حضرت بهاء الله جل زکرة نیز در همان مجموعه منتشر شده است - يك نوبت نیز در طهران مستقلا بقطع جیبی طبع و منتشر شده است - عده ای از متبعمین و معاندین نیز بچاپ کتاب مستطاب اقدس در سنین قبل و سالهای اخیر اقدام نموده اند که از این بحث خارج است - کتاب اقدس فقط بزبان روسی ترجمه شده است ( توسط مسیو تومانسکی براهنمائی و معاونت حضرت ابوالفضائل ) .

کتاب اقدس ( بمبئی چاپ بمبئی ۱۳۱۴ ) در حدود چهل و نه صفحه است که هر صفحه آن نوزده سطر و هر سطر بطور متوسط از ده الی یازده کلمه تشکیل گشته است . آیات مبارکه اش تقسیمات خاصی ندارد و بهیچ عنوانی تجزیه و تقسیم بندی نشده و مطالب بطور متسلسل نازل گشته اند - اگر مبنای تقسیم کتاب الله بآیات بمنظور تعیین تعداد آیات آن بر اساس تکمیل موضوع و اتمام مطلب در هر آیه باشد امین سفر جلیل مشتمل بر حدود ۲۶۰ آیه است - ولی بطور متداول آنرا بالغ بر ۴۷۶ آیه شمرده اند ( یا دداشتهای جناب فاضل مازندرانی ) .

کتاب اقدس این چنین شروع میشود " بسمه الحاکم علی ماکان و مایکون ان اول ماکتب الله

## آهنگ بدیع

علي الصباد عرفان مشرق وحيه و مطلع امره الذي كان مقام نفسه في عالم الامروالخلق الخ آيه " و باین آیه مبارکه ختم میشود " قد حرم عليكم شرب الا فيون انا نهيناكم عن ذلك نهيا عظيمما في الكتاب والذي شرب انه ليس مني اتقواالله يا اولي الاكباب " ( آیه مبارکه اخير در لوح ديگر نازل و سپس بكتاب مستطاب اقدس ضميمه شده است ) .

### سياق اثر مبارك

كتاب مستطاب اقدس بلحن آيات نازل شده و اگرچه عربی است ولی بسیار ساده و سهل الفهم است و روانی ترکیبات و جملات بحدی است که هر فارسی زبانی که بادیب و فرهنگ متداول ایران آشنا باشد در هنگام زیارت آيات مبارکه آن هیچگونه اشکال و زحمتی در نمی یابد — کتاب اقدس نسبت بتمام آثار عربیه امر حتی بقیه آيات و الواح نازله از قلم اعلى بسیار ساده و آسان است ولی در عین حال متضمن شیوائی و بلاغت و لطف و جذابیتی است که اختصاصی آنست — در هنگام زیارت آن اگرچه درك و فهم مطالب نازله بسهولت میسر است مع هذا هیمنه و قدرت آيات بحدی است که غالبا افراد را منقلب و متأثر میسازد و خصوصا این تأثر را در موقع زیارت مطالب اساسیه اصلیه کاملا میتوان دریافت .

آيات كتاب اقدس نمونه کاملی از الواح صادره در ادرنه و خصوصا عکاست — آيات و آثار نازله در عکا از آثار بغداد کاملا مشخص است و معرف سياق و روش خاصی است که مختص آثار حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلى است در صورتیکه در آثار بغداد گاهی اوقات آثاری مشابه آثار دوره بابی و توقیعات و آثار حضرت باب اعظم میتوان زیارت نمود .

رویه آيات مبارکه در این اثر عظیم صدور اوامر و انزال مبانی و اصول و حدود است از اینجهت بحث و استشهاد و استدلال در آن کمتر میتوان یافت — مبانی استدلالات بیشتر بر اساس مشیة الله و اراده مظهر ظهور بنا شده است فقط معدودا بیعضی از آثار و احکام شریعت بیان اشاره شده و بآن استدلال گشته است اگرچه موارد استشهاد از بیان نیز همه آيات و مطالبی است که استقلال و اختیار مطلق مظهر موعود یعنی من یظهره الله را بیان میدارد — خلاصه میتوان چنین گفت که در همه موارد استدلالی کتاب مستطاب اقدس دلیل جلیلی " ذاته لذاته " اساس و پایه بحث و اثبات حقیقت است .

كتاب مستطاب اقدس بعلمت تصریح و پیش بینی آتیه امر و تکلیف احباء پس از غروب شمس حقیقت و تعیین مرجع مخصوص و دو رکن اعظم نظم بدیع حاوی مطالب مهمی است که در هیچیک



## آهن گبدی

از کتب آسمانی قبل سابقه ندارد و برای اولین بار عنایت الهی بنیان شریعت الله را بر اساس لا یتزعزع و مستحکم تأسیسات و تشکیلاتی نهاده است که همواره باعث حفظ و حراست امر و اصول این آئین است - در خصوص تبیین " من اراده الله - موعود در کتاب اقدس کتاب مبارک - عهد در ایام اخیر حیات مبارک از قلم اعلی نازل گشته است .

در تشریح و تبیین آیات و احکام کتاب مستطاب اقدس آثار زیادی از قلم اعلی و کلک گهربار مرکز میثاق و مقام ولایت امرالله عز صدور یافته است که استقصا و مطالعه آنها خود مبحث - وسیع و عظیمی است و از این مختصر خارج است - یکی از معروفترین آثار حضرت بهاءالله جل اسمه الاعلی در تبیین و توضیح احکام کتاب - رساله سؤال و جواب است که بفارسی و بصورت طرح مسائل و بیان جواب تنظیم گردیده است - این مضمون در جواب سئوالات - زین المقربین نازل گشته و حسب الاراده مبارک جناب زین بعرض سئوالات اجازه یافته است - این رساله مطبوع و منتشر است و تفصیل بیشتر را باید بمراجع مربوطه مراجعه کرد .

قلم اعلی در این اثر جلیل که بلقب عظیم " ام الكتاب " در آثار بهائی مشهور شده باین آیه مبارکه ناطق " قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الذی ماشهدت عین الابداع شبهه اغتمسوا فی بحر بیانی لعل تطلعون بما فیہ من لثالی الحکمة والاسرار " (۱) اگر مفهوم کلی و جامع نظم بدیع بهائی را که شامل دیانت بهائی و اساس و اصول امرالله و مجموع حقائق روحانیه کلیه این امر بدیع است منظور داریم باستناد آیه مبارکه فوق بیقین میتوان گفت که این اثر الهی در عین اختصار ظاهری کتاب عظیم و مجموعه کریمی است که حاوی و جامع حقائق آثار قبلیه و پایه و اساس تبیینات آتیه است و بحقیقت قسمت مهمی از بقیه آثار حضرت بهاءالله جل ذکره الاعلی تبیین این سفر جلیل و تصریح و توضیح تلویحات و کلیات آن است .

و اگر تجزیه مطالب کتاب الله و ترتیب آن بر حسب مواضع مختلفه در این معرفی مختصر جائز باشد مسائل ذیل اهم مطالبی است که مجموع این کتاب مقدس را دربر میگیرد :

۱- اصول و اساس امرالله در دور بهائی که شامل مباحث روحانی و ایمانی و مطالب عمومی و اجتماعی است و شامل حقائق کلیه امریه و امتیازات شریعة بهائیه است .

۲- تشریح احکام و تأسیس هیئت تشریحی بهائی برای قرون و اعصار آتیه و تنصیص مبین کتابالله .

(۱) آیه ۴۵۳ .

## آهنگ بدیع

۳- اشاره بمواضع تاریخی مربوط بامر مبارک - بشارات و انذارات .

۴- نصیحت و هدایت بشر .

بسیاری از آیات و احکام کتاب مستطاب بیان درام کتاب اقدس تأیید شده است در -

اینخصوص در آیه ۳۴۸ چنین نازل :

"انه ( اشاره بحضرت رب اعلى ) قد انزل بعض الاحكام لثلا يتحرك القلم الاعلى فى هذا الظهور الاعلى ذكر مقاماته العليا و منظره الاسنى و انا لما اردنا الفضل فصلناها بالحق و خففنا ما اردناه لكم انه لهو الفضال الكريم "

از جمله احکام : صیام - ذکر "الله ابهى" در روز - ارث ( باتفسیرات مختصری )

( ۸ - ۲ )

( ۵ - ۱۷ )

( ۸ - ۱۸ )

حج - قبله - نکاح و مهر - تنظیم وصیت نامه - امر بدفن در صندوق -

( ۵ - ۱۲ )

( ۵ - ۱۳ )

( ۶ - ۷ )

( ۶ - ۱۶ )

اسماء شهور و سنین - صلوة میت - حقوق الله - تلاوت آثار هر صبح و شام -

( ۸ - ۱۴ )

( ۸ - ۱۶ )

( ۵ - ۱۱ )

( ۵ - ۳ )

عدم جواز صعود بر منابر - عدم جواز اخذ اسباب حرب - حلیت لباس حریر - عدم جواز توبه الا در

( ۷ - ۱۴ )

( ۶ - ۹ )

( ۷ - ۶ )

( ۷ - ۱۱ )

ساحت الهی و غیره مورد تأیید جمال اقدس ابهی در کتاب اقدس واقع شده است - بعضی دیگر

نیز در آثار دیگر نازل از قلم اعلى بجز قبول مقرون گشته است .

حضرت رب اعلى ( در باب نوزدهم از واحد دوم ) بیانی میفرمایند که مؤید مطلب و زیلا

بآن استشهاد میشود :

" . . . آنچه در بیان متون شود از شئون محبوبه تحفه است از قبل نقطه بیان بسوی -

من یظهره الله که ظهور اخرای نقطه بیان باشد و همین عز و فخر کل رابس است که او قبول کند

نفسی را یا شیئی را بذکر انتساب بخود . . . "

تهیه و تدوین این مقاله از جنابان دکتر محمد افغان و نصرت الله -

محمد حسینی است که اشتباهها " نصرت الله حسینی " ذکر شده علیه ذاتقضا

دارد خوانندگان عزیز صد مقاله را تصحیح فرمایند .



لجنه جوانان بهائى مشهد - ۱۲۰ بدیع



جشن جوانان بهائى نئید لاوس - ۱۲۰ بدیع

## بهار امسال



ریزد گهر بساحت گلزار  
از دشت تا بدامن گهسار  
آفاق رشک طبله عطار  
اکنون نمود چهره دگر بار  
از باغ آورند بیازار  
دامانسی از گلت کند ایشار  
برگ گلی گرفته بمنقار  
با ناز و عشوه مردم هشیار  
چون من بوصف روی تو اشعار  
اردی بهشت گشت پدیدار  
یکره خرام جانب گلزار  
شور و نوا بگنبد دوار  
گیتی ز خواب دی شده بیدار  
پیون لمبتان خلیخ و تاتار  
آورده گوهر است بخروار  
ریزد فروز ابر گهر بار  
امسال پر نشاط تر از پزار  
خوشر بسی زیار و ز پیرا ر

صبح است و از سحاب گهر بار  
گسترده اند فرش سبقرق  
از نکبت نسیم بهاری است  
آن گل که رخ به پرده نهان داشت  
بس خرمن گل است که امروز  
گلچین ز بوستان بره آورد  
هر گوشه بلبلان خوش آوا  
نرگس بر دیمالم مستی  
قمری بسروین بسر اید  
هان ای بهار نفز بهشتی  
بیرون قدم گذار ز مشکوی  
مرغان فکنده اند ز آهننگ  
از باد روحبخش بهاری  
گلها بجلوه طرف گلستان  
شاخ از شکوفه های بهاری  
چون طبع من لئالی منظوم  
دامان کوه و ساحل رود است  
امسال این بهار طرب زا است



افراشت خیمه بر همه امصار  
 گسترده سایه است بر اقطار  
 طرحی نوین نهاد جهاندار  
 وز عدل و داد کاخی ستوار  
 کش بادل است و جان جهان کار  
 بنیان آن بذروه افکار  
 بر ترزوی برتبت و مقدار  
 در ظل آن مطالع انوار  
 هم ملهم از عوالم اسرار  
 شورای بخردان هشیوار  
 جمعی در آن ز نخبه ابرار  
 در کف با کفایت اخیار  
 بر صاحبان فکرت و ابصار  
 بر تر بسی ز پایه افکار  
 نعتش کجا و منطق و گفتار  
 والا تراز مناقب و اذکار  
 وین طبع و نارسائی اشعار  
 آنسان که در خور است و سزاوار

زیرا که بیت عدل الهی  
 و آن نونهال صلح جهانی  
 تا سازد امر خویش جهانگیر  
 از صلح و سلم قصری محکم  
 قصری مشید ز امر ربوبی  
 بنیاد آن نهاد به بدلهاست  
 افکنده پی بطارم اعلی  
 در حول آن مشارق عرفان  
 هم مقتبس ز شمس حقیقت  
 این مجمعی ز مردم داناست  
 در شور بر صلاح عمومند  
 نظم بدیع امر الهی است  
 تأیید حق بود متابیع  
 آن کو گذارد پایه این فکر  
 نتوانسی بیان صفاتش  
 بالاتراز ثنا و سپاس است  
 (مهر) و این بضاعت مزجاة  
 نتوان کند محامد ز اتش

مقصود از تحریر این مقاله که شرح واقعه تلخ و غم‌انگیزی است آنکه یاران روحانی آگاهی یابند که برای جامعه امر در بعضی نقاط چه حوادثی رخ داده و چه ثبات و استقامتی از احبای ستم‌دیده و باوفای حق ظاهر گشته است .

دوستانی که برای زیارت بیت مبارک بشیراز مسافرت فرموده اند از آباده عبور کرده اند و یا نام آباده را شنیده اند — شهرستان آباده زمستان سرد و جانفرسائی دارد و مدفن شهدائی چند نیز در این شهرستان است .

قریه بهمن که در سه فرسنگی جنوب غربی آباده قرار دارد دهی است دارای سه دروازه بزرگ که یکی در شمال دیگری در جنوب و سومی در مشرق قلعه واقع شده است این قلعه را میتوان شبیه بقلمه‌های افسانه‌ای دانست ارتفاع دیواری که قلعه را محصور میکند متجاوز از ده متر است قطر دیوار روی زمین در حدود سه متر و در انتهای دیوار در حدود بیست سانتیمتر است . در داخل

حصار ده بهمن خودید و قلعه بنام قلعه نو و قلعه کهنه تقسیم میشود که بوسیله — دروازه ای بهم مربوط میشوند .

در قلعه کهنه دو خانواده بهائی بنام صابری و اخضر و در قلعه نو سه خانواده بهائی بنام وفائی — صفائی و رفیعی زندگی میکردند جمعیت ده در آنموقع چهارصد — خانوار بود . در این ده یک مسجد و یک تکیه برای برگزاری مراسم مذهبی مسلمانان وجود داشت از آن روزیکه من بیاد دارم در ایام محرم و صفر برای اعلام خبر و جمع شدن اهل ده از شیپور استفاده میشد و این شیپور بوسیله کسانی بصدا در میآمد که معمولاً در دوران سربازی خود شیپور چی بوده اند .

رفتار اهالی این ده طوری بود که بخاطر چند دانه زردآلو یا یک بوته خار یکدیگر را می‌کشتند . ساکنین این قریه بطور کلی با پنج خانواده بهائی مذکور دشمن سرسخت بودند زندگی کردن این بهائیان در آنجا و استقامت در برابر سایرین فقط بخواست حق بود و بس و اگر تأییدات کافی

## آهنگ بدیسع

از فرزندانشان پوشیده دارند ولی تلاش آنها بی فایده بود زیرا من خود جریان را از — عابری استفسار میکردم و آنها در جواب میگفتند بابی بگیری است چون ما در ابایی میشناختند و هنوز هم بهائی را بابی میدانند. بالاخره من و برادرم بمنزل یکی از عمه هایم که در قلعه کهنه بود رفتیم خط سیر ما از جلوی منزل آقای اخضر بود موقع رفتن هنوز محیط کاملاً آرام و عادی بود ولی ظهر دهم محرم یعنی ظهر عاشورا با منظره ای غم انگیز و صحنه ای دلخراش ظاهر شد موقعی که من و برادرم از منزل عمه ام مراجعت میکردیم افرادیکه از غارتگری و چپاول و آزار نسبت به خانواده صابری و اخضر فراغت حاصل کرده بودند ظاهراً برای استراحت ولسی باطنا برای طرح نقشه حمله به منزل ما و صفائی و وفائی که در قلعه نو قرار داشت در مدخل دروازه قلعه کهنه و نو دور هم گرد آمده بودند که ما دو نفر دست در دست از جلو آنها عبور میکردیم ولی بیش از چند قدمی راه نپیموده بودیم که یکی از آنها گفت بگیرید این بچه بابیها را تا سرشان را ببریم لحظه ای بس خطرناک بود من و برادرم گرفتار افرادی بودیم که قهرمانان میدان نبرد آنروز بودند و امروز بیچارگانی هستند که هنوز هم با آتش اعمال زشت و ناپسند خود میسوزند.

الهیة شامل نبود پایان زندگی همه آنان منجر بشهادت میشد.

پدر من مشهور به کربلائی اکبر رفیعی تنها پسر بهائی از خانواده ای بود که هفت خواهر داشت که از نعمت ایمان محروم بودند.

خورشید روز دهم محرم آن سال هم مثل سایر روزها طلوع کرد ولی هرگز غروب آن مانند غروب روزهای قبل نبود آن روز غم انگیز و بلاخیز روز امتحان بود. من در آن موقع هفت ساله بودم ولی این کمی سن من باعث نشده که حتی کوچکترین اعمال وحشیانه مردم آن ده را که درباره بهائیان مجری داشتند از یاد ببرم.

ساعت تقریباً نه صبح بود که صدای آن شیپور لمنتی بلند شد ولی آهنگ آن صدای غیر از آهنگ صدای هر روزی بود آهنگی شوم بود که همراه با خبر ناگوار در فضای دهکده می پیچید.

طنین آن صدای فتنه انگیز راحتسی کسانی که در آنروز مجرائی دامگیرشان نشد فراموش نمیکند آری این نوای بلا انگیز بود که چهارصد خانوار مسلمان را برای تجاوز و غارتگری اموال پنج خانوار بهائی به تکیه دعوت میکرد پدر و مادرم خیلی سعی میکردند تا وقوع حادثه شومی را که در شرف تکوین بود

## آهن‌گ بدیع

را از راه پشت بام به منزل خواهر بزرگم گسه  
مسلمان است فرستاد چند ساعتی در آنجا  
بودیم و موقعی بمنزل مراجعت کردیم که پدرم  
راکه در اثر كتك و هجوم مهاجمین داخل  
تنور پراش افتاده بود خارج کرده بودند —  
آنچه که میبایست بفارت برود رفته بود .  
ناگفته نماند چنانچه یکی از بهائیان کلمهء  
شهادت را میگفت برای آنها کافی بود و میگفتند  
فلانی مسلمان شده ولی آیا همین فرد بهائی  
بود که باگفتن این کلمه تبری نماید تا آنجا که  
من بخاطر دارم کسی چنین اظهاری نکرد .  
گویا آقای وفائی و خانواده اش از جریان  
مطلع شده و توانسته بودند از مهلکه بدر —  
روند پس نوبت جناب میرزا جان صفائی بود  
بهر دری زدند موفق نشدند او را دستگیر  
کنند .

بعد از ظهر عاشورا بود و قاعده —  
میبایست شرارت ها تا ظهر خاتمه یابد ولی  
آنروز استثناا ادامه داشت . من و برادر و  
مادرم را برای آنکه در امان باشیم بمنزل یکی  
از معتمدین و ثروتمندان محل که در آنجا  
روضه خوانی بود برده بودند آخوندی در  
بالای منبر جریان ظهر عاشورای کربلا را شرح  
میداد من و برادر در طرفین منبر نشستیم  
بودیم .

در همان موقع چند نفر بانقشه قبلی از

من خونسرد و آرام بودم و حالا درك میکنم  
که تأیید الهی بوده است که کودکی هفت  
ساله را در برابر چنان مردی چون کوه —  
پابرجا نگهداشته بود ولی نمیدانستم که در  
آنموقع بر برادر چه میگردد .

بالاخره هر دوی ما را روبقیلهء مسلمانان  
خوابانیدند که سر ببرند لحظهء بود که مرگ  
را بچشم خود میدیدم ولی :

گر نگهدار من آنست که من میدانم

شیشه را در بغل سنگ نگه میدار  
در همین موقع بود که اتفاقا یکی از عمه های  
ما از دور پیداشد و چون چشمش بما افتاد  
شروع به ناسزا گفتن به آنها نموده ما را بهر  
وضعی بود از دست آن جلادان رهانید .  
او میگفت اینها بچه هستند چه تقصیری  
دارند بالاخره او ما را زیر چادر خود جای  
داد و از مهلکه دور کرد و بمنزل فرستاد  
پدر و مادرم از غیبت ما بشدت ناراحت شده  
بودند و این ناراحتی موقعی دو چندان  
شد که جریان واقعه را برای آنها بیان  
کردیم .

آنروز مادرم نان پخته بود و تنور آتش  
داشت و چون هنوز هم تنور گرم بود و هم  
تقریبا جای امنی بود پدرم بالای تنور روی  
سکو نشسته بود مادرم مثل اینکه کاملا منتظر  
وقوع حادثه ای باشد من و خواهرم و برادرم



## آهنسنگ بدیسع

راه پشت بام بمنزل میرزا جان صفائی رفته او را با حيله و نیرنگ بنام اینکه اگر بمنزل ما بیائی در امان هستی از راه بام بآنجا آوردند او وقتی وارد منزل مشهدی مرتضی شد درست روبروی من مقابل منبر نشست . نشستن او حتی به دقیقه هم نرسیده بود که دسته<sup>۶</sup> سینه زن و بحساب عزاداران از در وارد شدند و بداخل حیاط مشهدی مرتضی آمدند و تنها هدفی که این دسته سینه زن نداشتند همان سینه زن بود . یک نفر در مقابل یکدسته<sup>۶</sup> صد نفری چسه میتوانست بکند فقط او گفت شما بنا مردی مرا گرفتار کردید . من توانستم بزحمت خودم را از میان دست پای آنها بیرون بکشم .

نیمساعت دیگر که بمحل وقوع حادثه رفتم جز چند لخته خون که حاکی از دناست مهاجمین بود چیزی بجای نمانده بود بعدا شنیدم پس از اینکه آنقدر او را کتک زده اند که بحالت اغماء افتاده است برادر زنهایش او را بمنزلش برده و در بستر انداخته بودند . از آن روز بهمد من هیچگاه آقای صفائی را ندیدم و پس از چند ماهی که از این ماجرا گذشت در خلال این مدت بجز خانواده<sup>۶</sup> ما بقیه<sup>۶</sup> بهائیان آن ده از آنجا رفتند .

یکی از روزها که من و پدرم در یکی از باغهای مالکین مشغول تعمیراتی بودیم قاصدی به باغ آمد و گفت کربلائی اکبر شمارا در وسط ده احضار کرده اند .

سید حسن خادم اما مزاده آن قریه بود باتفاق قاصد و پدرم به محوطه<sup>۶</sup> ده آمدیم چند نفر دیگر هم غیر از سید حسن در آنجا بودند آنها مشغول گفتگو بودند که ما وارد شدیم چون من کوچک بودم مرا از آنجا دور کردند و پشت دیواری آمدم . مادر و برادرم در آنجا بودند و من هم از آن محل مشغول تماشای صحنه بلا بودم حلب نفت هیجده لیتری آماده کرده بودند که پدرم را آتش بزنند من و برادرم و مادرم بشدت گریه میکردیم و هر لحظه جمعیت زیادتر میشد ما درم که فقط نسبت بدیانت بهائی محب بود مبلغی در پنهانی به همان سید حسن داده و از او تقاضا کرد از این عمل صرفنظر کند جمعیت رفته رفته پراکنده میشدند و بهم میگفتند سید حسن میگوید کربلائی اکبر مسلمان شده بروید دنبال کارتان بعد از رفتن جمعیت ما بمنزل آمدیم ولی هنوز هم این آخرین صحنه ای نبود که حفظ و حراست حق شامل حال میگشت .

\* \* \*  
\* \*  
\*

## بشارت کتب مقدسہ دربارهٔ ظہور مبارک

سنوات بین ۱۸۳۰ و ۱۸۵۰ در تاریخ عالم شاهد وقایعی بس عجیب و مهیب بوده است مردم آن زمان به دایره بزرگی که بدور آفتاب حلقه زده بود با اعجاب و نگرانی مینگریستند و موقعیکه در تاریکی شب زوذب عظیمی را مشاهده میکردند که بادم آتشین خود در آسمان صاف بسرعت در حرکت است بخود میلرزیدند و بهم میگفتند که این زوذب بسراغ انسانها آمده تا زندگی این جهان را بپایان رساند .

در آمریکا و اروپا و آسیا و آفریقا نفوسی بودند که بمردم آگاهی میدادند خود را برای رجعت حضرت مسیح یعنی مجی ثانی آن حضرت آماده کنند .

افراد نامداری مانند ولف (۳) در آسیا سراد ایروینگ (۴) در انگلستان و میسن (۵) در اسکاتلند و دیویس (۶) در کارولینای جنوبی و ویلیام میلر (۷) در ایالت پنسیلوانیا و نفوس دیگری در سراسر دنیا همداستان بودند که " آخر الزمان " (۸) فرا رسیده و حضرت مسیح بزودی ظاهر خواهد شد و در سال ۱۸۴۴ بود که این انتظار چند هزار ساله با وج شدت خود رسید .

شرح آن ایام در تاریخ چنین نگارش یافته : " یکنفر مسیحی یهودی نژاد مقیم فلسطین موسوم به ژوزف ولف (۹) ظهور حضرت مسیح را برای سال ۱۸۴۷ پیشگوئی کرده بود و هاریت لیورمور (۱۰) که یک خانم فاضله و برجسته زمان خود بود و از او در یکی از مؤلفات ویتییر (۱۱) موسوم به اسنوباند (۱۲) چون چهره درخشانی نامبرده شده در همه جا

(۱) RELEASE THE SUN

(۲) WILLIAM SEARS (۳) WOLF

(۴) SIR EDWARD IRVING

(۵) MASON

(۶) DAVIS

(۷) WILLIAM MILLER

(۸) کتاب عالم بهائی جلد پنجم صفحه ۶۰۴ (۸)

(۹) JOSEPH WOLF

(۱۰) HARRIET LIVERMORE

(۱۱) WHITTIER

(۱۲) SNOW BOUND

## آهنسنگ بدیسع

و از جمله در مجلس شورای ملی واشنگتن در باره مجیء ثانی حضرت مسیح موعظه میگردد و نفوس زیادی بگرد او جمع میشوند که مطالب او را بشنوند .

لیدی هستر استانهوپ (۱) برادرزاده ویلیام پیت (۲) که خانم محترمه ای بود ( مشهوره مجنون دلیر ) از شهر پرشکوه لندن و از ظل جلال و اقتدار ظاهری و مدپرستی خارج گشته بکشور لبنان روی آورد و بین اعراب و در روزها اقامت گزید تا اینکه آماده و نزدیک بصحنه ظهور باشد . گفته اند که دو اسب تیزرو عربی در اصلیل خود نگهداشته بود که یکی بجهت حضرت مسیح و دیگری برای خود او باشد . امید و انتظار مردم جهت رجعت حضرت مسیح بقدری حقیقی و واقعی بود که تقریباً همه دست با اقدامات جدی زده بودند . این زمان قرن نوزدهم میلادی بود و در همین هنگام بود که ظهور شهاب های سال ۱۸۳۳ و هاله های - دور غورشید سال ۱۸۴۳ موضوع بحث و فحص بسیار دقیق محققین قرار گرفته بود دم نوزدهمی که در سال ۱۸۴۳ ظاهر گردید بطول ۱۰۸ ملیون میل بود . . . . و خانواده ها در برابر آن وضع خطیر و مهیب در صد چاره جوئی برآمدند " (۳) .

افرادی از نفوس مشتعله قدم فراتر گذاشته مایملک خود را بفروش رسانیده منتظر نزول - حضرت مسیح بر پیکر ابرها گردیدند ولی همسایگان بافراست آنها که این کیفیت را عملی نمیدانستند بآنها تذکر میدادند که ابرها نزول نمیکنند بلکه در واقع ابره ای هستند که از زمین صعود مینمایند . نفوس دیگری بودند که از سنت آگوستین (۴) نقل قول میکردند که یک جلد کتاب نوشته تا ثابت نماید که ممکن نیست در آنطرف کره زمین انسان زنده وجود داشته باشد زیرا در صورت وجود انسان در آن مکان امکان آن نبود که در یوم رجعت حضرت مسیح از آسمان بزیارت آن وجود تابان موفق گردند . ریاضی دانان در پی این محاسبه بودند تا معلوم نمایند نجات دهنده عالم در وقت ظهور چند صد هزار پرواز انفرادی باید از جسام دهد تا بسبب مدور بودن کره ارض جمیع نفوس جهان بتوانند نائل بمشاهده همیکل نورانیس گردند گفته اند که در بعضی از بلاد شرقی آمریکا بمناسبت این واقعه منتظره بعضی از - مفازها حتی فروش جامه های مخصوصی را بعنوان جامه صعود اعلان کرده بودند .

( ۱ ) LADY HESTER STANHOPE

( ۲ ) WILLIAM PITT

( ۳ ) JAMES HENRY FORMAN ( صفحه ۳۱۰ و

داستان نبوت بقلم جیمز هنری فورمن )

ST. AUGUSTINE ( ۴ ) - ۳۱۱

## آهنگ بدیع

در سال ۱۸۴۳ هنگامیکه نوزنب عظیم الجثه ای از سراسر آسمان گذشت مردم آنرا علامت و مژده آسمانی بجهت رجعت حضرت مسیح دانستند . در همان سال جمیز راس لاول (۱) شاعر معروف مضمون ذیل را بنظم آورد - ( برای هر انسان و ملتی لحظه ای فرار میرسد که در برابر امر عظیمی یعنی نجات دهنده جدید خدا تصمیم خود را اتخاذ نماید ) (۲) .

در تاریخ ۲۴ صی ۱۸۴۴ در شهر واشنگتن سموئیل ف . ب . مورس (۳) مخترع تلگراف پشت دستگاه جدید خود نشست و آماده آن گردید که اولین تلگراف رسمی را در تاریخ بشر بوسیله سیم از واشنگتن به بالتیمور مخابره نماید . مطبوعات این روز را روز وقوع معجزه جدید اعلان کرده و نوشته بودند که بزودی دنیا با یک چشم بهم زدن بهم مرتبط و متصل خواهد شد .

دانشمندان کتب عهد عتیق و عهد جدید از خود سئوال میکردند آیا این دلیل دیگری بر قرب ظهور حضرت مسیح نیست و آیا در کتاب ایوب چنین نیامده که میفرماید :

"آیا برق هارا میفرستی تا روانه شوند و بتوب بگویند اینک حاضریم"

و آیا این تلگراف برقی را که مورس اختراع کرده همان برقیست که گفته شده است "کلام الهی" با آن مخابره خواهد شد ؟

مورس پشت دستگاه خود نشسته پیامی را با انگشتان خویش مخابره نمود که از سفر اعداد در کتاب مقدس عهد عتیق انتخاب شده بود و مضمون آن اینست :

( خدا چه کرده است )

درست یکروز قبل از تاریخ مذکور یعنی در ۲۳ صی ۱۸۴۴ در شهر شیراز واقع در کشور ایران بود که دیانت بهائی پا بعصره ظهور گذاشت . جوانی موسوم به باب خود را بملاحسیسن بشرویه<sup>۶</sup> بمنوان موعود جمیع کتب و صحف مصرفی نمود و فرمود که این آغاز تحقق کلیه وعود کتب مقدسه است .

حال ببینیم بچه علت اینهمه محققین دانشمند کتب مقدسه از جمیع نقاط عالم در این موضوع متفق القول اند که سالهای بین ۱۸۴۳ و ۱۸۴۵ هنگام رجعت حضرت مسیح است بلی این موقع را در تاریخ بجهت آن انتخاب نموده اند که حضرت مسیح خود سه علامت مخصوص در باره

(۱) JAMES RUSSEL LOWELL

(۲)

بحران بقلم جمیز راس لاول

JAMES R. LOWELL

(۳) SAMUEL F. B. MORSE

## آهنگ بدیع

بنگام رجعت خویش زگر نموده و بشاگردان خود اطمینان داده است که همینکه این سه امر واقع شود باین عالم باز خواهد گشت :

اول اینکه اناجیل او در سراسر عالم تعلیم شود .

دوم اینکه " زمانهای امتها بانجام رسد " ( ۱ ) وینی اسرائیل به سرزمین اسرائیل ( فلسطین ) عودت نمایند .

سوم اینکه جمیع بشر " رجاست ویرانی " ( ۲ ) را که دانیال نبی پیشگوئی کرده بچشم خواهند دید .

بشارت اول — همینکه اناجیل حضرت مسیح در سراسر عالم تعلیم شود آن حضرت رجعت خواهد نمود — این وعده را حضرت مسیح در جواب سؤال یکی از شاگردان خود فرمود که گفته بود " بما بگو این امور کی واقع میشود و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست ؟ "

حضرت مسیح بشارت خود را در قالب این کلمات فرمود " . . . هر که تا بانتها صبر کند نجات یابد و این بشارت ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد شد تا بر جمیع امتها شهادتی شود آنگاه انتها خواهد رسید ( انجیل متی باب ۲۴ آیه ۱۴ ) .

تحقیق درباره ترویج مسیحیت که بوسیله دانشمندان فوق الذکر در سال ۱۸۴۰ بعمل آمد آنها را متیقن نمود که امر حضرت مسیح سراسر عالم را احاطه نموده و تا سال ۱۸۴۴ نه تنها امر او بوسیله افراد دعای مسیحی تعلیم میشده بلکه حتی در داخله آفریقا هم بوضع متشکل و دامنه داری ترویج میگرددیده است . در یکی از تواریخ مدونه بازرگانی که راجع بافریقای شرقی بحث میکند چنین نگاشته شده که دستجات مبلغین مسیحی اقدامات خود را در سال ۱۹۴۴ بین اهالی آفریقا آغاز نمودند . ( ۳ )

بنابراین در این موقع بود که اناجیل حضرت مسیح در تمام عالم موعظه شد " تا بر جمیع امتها شهادت شود " و در نتیجه دانشمندان مذکور چنین استدلال نمودند که وقت ظهور آن حضرت نزدیک است . باین ترتیب وعده اول حضرت مسیح در سال ۱۸۴۴ تحقق پذیرفت .

( پایان قسمت اول )

( ۱ ) مقصود پایان دوره فرمانروایی بیگانگان در سرزمین فلسطین است ( مترجم )

( ۲ ) ABOMINATION OF DESOLATION ( ۳ ) سالنامه و راهنمای آفریقای شرقی صفحه ۴۴

بوسیله ED. ROBERT LTD. LONDON مورخ ۱۹۵۳ .

# سفینه حق

این سفینه ناخدائی بیگمان دارد همی  
در نجاتش رهنمایان عیان دارد همی  
غافل از آنند کاین گله شبان دارد همی  
حارسانی جانفشان در آستان دارد همی  
در فداکاری بسی آزادگان دارد همی  
باز هم آزادگانی در نهان دارد همی  
در همه اقطار گیتی جانفشان دارد همی  
لشگری آماده چون شیرزیان دارد همی  
صد هزاران زبده از بهر جوان دارد همی

کشتی حق رهنما و یاسبان دارد همی  
گرچه ابر تیره میبارد بر این کشتی و لیک  
حمله و راز هر طرف گرگان سوی این گله اند  
این نهال امر حق کامروز گشته با رور  
این شجر با خون جانبازان سقایت گشته است  
بهر اعلائی کلامش جانفشانیها شده  
در جهاد اکبر روحانی از خرد و کلان  
بهر فتح کشور دلبها خداوند و دود  
گر هزاران کشته در تبلیغ امر الله شد

جان موزون در ره آئین یزدانی فداست

کز شجاعت از پدر نام و نشان دارد همی



امه الله سرکار خانم کورد لیا نورد ( CORDELIA NORDER ) که در معیت پسر کوچک خود بعد از کنفرانس بین المللی بهائیان در لندن بطرف جنگلهای شمال ویسکانسین ( WISCONSIN ) مسافرت کرده چنین مینویسد :

" در ترن يك راهبه مسیحی در مقابل ما نشسته بود . پس از مدت کوتاهی خانم مذکور صحبت را باز کرد و اظهار داشت " صورت پسر شما مانند فرشتگان است " بالطبع منم اشتیاق فراوان داشتم باطلاع او برسانم که والدین این طفل بهائی هستند و همین امر سرمذاکره را باز کرد و راجع به اشکالات موجود برای زندگی در این جهان و راه حل های ممکن برای آن مذاکرات مابین ما شروع شد و از اطلاعات و تجربیات گذشته خود بایکدیگر صحبت کردیم . من دیانت مقدسه بهائی را با معرفت کردم و گفتم که تحت تعلیمات حضرت بهاء الله روزی میرسد که بشر دارای دیانت واحد گردد . مشارالیهما اظهار داشت که " ما هم در دیانت خود و مخصوصا پیروان مذاهب کاتولیک معتقد باین امر هستیم منتهی منتظریم که این وحدت در ظل دیانت حضرت مسیح و کلیسای کاتولیک حاصل گردد . "

من از او سؤال کردم که آیا بنظر شما در اینصورت با ملیونها نفر پیروان دیانت اسلام که مسیحیت را پشت سر گذاشته و بجلورفته اند چه باید کرد چون حضرت محمد ۶۲۲ سال بعد از حضرت مسیح ظاهر شده و مانند مسیح خود را پیغمبر معرفی نموده و دیانت جدیدی تأسیس کرده است در جواب این سؤال خاموش ماند و بعد اظهار داشت که این خود حقیقتی است و اشکال بزرگی برای کاتولیکها بشمار میرود مخصوصا موقعیکه برای او تشریح نمودم که قرآن مجید نیز مانند کتاب انجیل مقدس کتاب آسمانی است و دارای همان خواص میباشد اشکال او بر او بیشتر آشکار شد و اظهار اشتیاق نمود که قرآن را مطالعه و نسبت به دیانت مقدس اسلام تحقیق نماید متأسفانه در همین موقع ترن از سرعت خود کاست و من بمقصد رسیدم بود و مجبور بودم که از ترن پیاده شوم . بزحمت توانستم آدرس خود را با چند کتاب کوچک برای مطالعه بیشتر با ایشان بد همواز همدیگر جداحافظی نمودیم . در آخر کار با و گفتم که ما بهائیان حقیقه خود را موظف میدانیم که تعالیم مبارک حضرت بهاء الله را بجهانیان ابلاغ کنیم و بعد آرزوی موفقیت برای ایشان کردم .



# خاطرات حبیب

"خاطرات حبیب" کتابی است که خادم امرالله جناب دکتر حبیب موید درباره وقایع دوره میثاق و سالیانی که در آن دوره در بیروت به تحصیل طب اشتغال داشته و پس از آن در ارض اقدس در حضور مبارک بخدمت مشغول بوده اند بسبب دلپذیری برشته تحریر در آورده اند."

## حضرت ابی الفضائل در بیروت

موقعیکه عده محصلین و واردین بیروت زیاد شد حضرت ابی الفضائل هم به بیروت تشریف آورده اول يك خانه محقری را اجاره فرمودند بعد بهتل نقل مکان کردند . در آن ایام عده واردین روز افزون بود لاینقطع يك دسته میآمد و يك دسته میرفت و هرکس هم میشنید حضرت ابی الفضائل در بیروت است بکمال شوق و اشتیاق طالب دیدار میشد و به ملاقات میرفت این فاضل و فیلسوف شهیر با قدی خمیده و دستهای لرزان مشغول پذیرائی میشد و تمام کارها را بایستی خود بنفسه انجام دهد ابدای راضی نمیشد که احدی خدمت او را بکند مثلا میخواست به میهمانان چای بدهد خودش میرفت و آب میآورد قوری را روی چراغ الکلی میگذاشت استکانها را میشست با دستمال پاک میکرد حبه قند میانداخت و بفرد فرد واردین چای میداد هر قدر استدعا می کردیم و اصرار میورزیدیم که شما بنشینید و اجازه بد دهید ما چای درست کنیم قبول نمیفرمودند خلاصه دو سه ساعت صرف چند فنجان چای میشد و راضی نمیشدند که کسی خدمت ایشانرا بکند بلکه مایل بودند خدمات دیگران را عهده دار شوند مگر بحضور ایشان عرض میشد و بکمال الحاح و اصرار و ابرام التماس میکردیم و تقاضا و



## آهنگ بدیع

دکان محقری دم دروازه حضرت عبدالمظیم داشت و هرکس الاغ یا اسبی داشت و میخواست نعل کند بمجردیکه دست بکار میشد مشتری را مشغول میکرد یعنی دم حیوان را بپایش بسته و لبچه را بدست صاحب الاغ میداد و خود شروع به تبلیغ مینمود یگروز جناب میرزا که میخواستند حسب المعمول بزیارت بروند و درحال انتظار جلوی دکان ایشان قدم میزدند استاد حسین جلومیرود و سلام میکند و عرض مینماید آقا سوال دارم میگویند بگو عرض میکند شنیده ام که میگویند حدیثی است که اگر درخانه نئی سنگ باشد — آنجا ملائکه نمیآید این حدیث صحیح است یاخیر؟ میرزا میفرمایند بله صحیح است استاد حسین میگوید آقا شیخ قضیه برای من مشکل شد میفرمایند چرا؟ میگوید باز شنیده ام حدیث شریفی هست که هر یک از این قطره های باران را يك ملائکه حمل میکند آیا این حدیث هم صحیح است؟ میفرمایند بله عرض میکند جواب شما بر مشکلات من افزود و کار را سخت تر کرد زیرا باین حساب — بایستی اصلا در بعضی خانه ها باران نبارد در صورتیکه اینطور نیست جناب میرزا میفرمایند این سئوالها بتو نیامده راه خود را گرفته و میروند در این موقع مکاری با الاغهایش میآید و جناب میرزا عازم بقعه حضرت عبدالمظیم

درخواست مینمودیم که اجازه فرمایند ماها خدمت ایشان را انجام دهیم و خرید بازار را عهده بگیریم قبول نمی فرمودند باز بکمال عجز و التماس عرض میکردیم اوقات شریف شما خیلی گرانها است حیفاست صرف جزئیات بشود خوبست آنرا صرف تحریر بفرمائید و سطر هم که نوشته شود بنفع امر است باز قبول نمی فرمودند قضیه بحضور مبارك حضرت عبدالبهاء عرض شد شاید امر مبارك صادر شود و ایشانرا ملزم فرمایند که قبول يك — خدمتکاری بنمایند حضرت عبدالبهاء فرمودند ابا مزاحم ایشان نشوید و کسی دخالت بکارهای ایشان نکند و ایشانرا بمیل خودشان بگذارند زیرا همین قسم مطلوب ایشان است حتی در یکی از تواقیع مبارکه خطاب باین عبد میفرمایند " در — مصیطه بیروت نقطه ای فوقانی آفتاب گیر هواگیر منزلی بجهت حضرت ابوالفضائل تهیه نمائید و کسی در امور ایشان دخالت ننماید .

قصه عجیب و شرح تصدیق حضرت آبی الفضائل یکی از داستانهای غریب و شیرین امر بشمار میرود و هدایت ایشان بوسیله کربلای حسین نعلبند که يك شخص عامی و بیسواد بود موجب شگفت همگان است مرحوم استاد حسین یا کربلای حسین

## آهنگ بدیع

کتابخانه کلیه در موقعیکه جراید و مجلات را تفحص میکردم چشم باعلائی دربارہ او — یسوعیه لویز شیخوان دانشمند شهیر کاتولیکی نوشته بود ( کتاب نقطة الکاف تألیف پرفسور برون ) جناب میرزا ابوالفضائل بدون مقدمه فرمودند شما بروید مطبعه یسوعیه بیروت بنمایند، آقای لویز شیخو صاحب مطبعه مذاکره نمایند که اگر من بخواهم کتابی در مطبعه ایشان در حدود یکهزار صفحه چاپ کنم جزوه جزوه میدهم و ایشان طبع نمایند قیمت صفحه و قیمت کاغذ خوب با خط درشت را معین نمایند تا مشغول شویم ضمناً فرمودند ( ۱ ) این سئوالی را که میگوییم بنویسید و تلامذه بیروت يك امضاء نموده بفرستید که پرفسور برون استاد السنه شرقیه در دانشگاه کهپرینج جواب بدهند بند سئوال مذکور را نوشته بامضای رفقا رسانیدم مراسله را سفارشی کرده بآدرس پرفسور برون — فرستادم در ظرف ۱۲ روز جواب فارسی

---

( ۱ ) جناب میرزا ابوالفضائل از طرف تلامذه بیروت سئوالی از پرفسور برون نمودند که ماخذ و مدارک این کتاب از کجاست پرفسور جواب داد که این کتاب را از کتابخانه گوپینو تهیه نمودم معلوم میشود محمد خان قزوینی اضافاتی بکتاب کرده و تقدیم کتابخانه گوپینو کرده است.

نمایش دهند و از مکاری سئوال میکنند این شخص نعلبند چه میگوید چه اطلاعی درباره او — داری عقیده اش چیست ؟ شخص مکاری میگوید آقا ولش کن این حسین بابی معروف است گوش بحرفهایش نده ولی همین مسئله جناب میرزا ابوالفضائل را وادار بتجسس و تحسری حقیقت میفرماید تا بالاخره جناب آقا محمد علی ماهوت فروش سبب هدایتشان میشود .

خلاصه حضرت ابی الفضائل در بیروت ماندنی شدند و کتاب جامع خود را که قبلاً موادش را تهیه کرده بودند مشغول پاک نویسی شدند این کتاب جوابی بود که برای کلیه معارضین امرالله يك قسمت این بنفسه يك کتاب میشد برائیم ابن اثیم بود قسمت دیگر آن که آنهم يك کتاب قطوری میشد جواب ازلیها و دلایل قاطعه ظهور جمبال اقدس ابهی قسمت دیگر برای طبیعیون و مخالفین امر مبارک قسمت دیگر عهد و میثاق الهی و ذلت و خسران ناقضین بود — حسب المعمول روزها بعد از فراغت از درس مدرسه و مریضخانه بحضور ایشان میرسیدم و پاکات و تلگرافات را تقدیم میداشتم و از ورود و خروج مسافرین و اطلاعات امری را بعرض میرساندم و اگر مطلب امری در یکی از جراید یا مجلات بود سرمقاله و عنوان مقاله را بطور اختصار اطلاع میدادم یکروز در —

بخط خود پرفسور براون رسید که واقعا بهترین سند قیمتی از معمولیت و مخدوشی کتاب نقطه الکاف منسوب به حاجی میرزا - جانی شهید است مرحوم میرزا وقتی که این جواب را دیدند نزدیک بود از شدت سرور برقصد و دائم درخنده و کیف بود و بطوری اظهار بشاشت میفرمود که بوصف و تحریر نیاید مخدوشی و نشر کتاب مورد نظر حتمی شد و جناب میرزا ابوالفضائل این سند محکم را بهترین حربه دندان شکن برای دشمنان امر میدانستو میفرمود هر قدر امر الهی قویتر میشود و دایره امر وسیعتر میشود دشمنان امر بیشتر بتک و د و میافتند و تلاش مذبحخانه میکنند بتمام قوی میکوشند و از هیچ تهمت و افترائی فروگذار نمیکنند و آنچه بتوانند و از دستشان برآید از برای قلع و قمع شجره مبارکه تلاش میکنند و دشمنان امر هر قدر باهم مخالف باشند ولی بمخالفست امرالله تجهیز قوا میکنند و متحد میشوند و این آیه مبارکه را مکرر میخوانند و آنکان مکرهم لنزول منه الجبال همچنین میفرمودند لو القیت هذا القرآن علی جبل لرایتہ خاضعا متصدعا من خشية الله .

باری جزوه ها تماما پاکنویس شده و - حاضر بود که بمطبعه برود چون فقط منتظر اجازه مبارک بود لذا بآمریکا و بحضور عرض

شد و اجازه خواستیم بلافاصله تلگراف ذیل از آمریکا شرف وصول یافت :  
از نیویورک - خدا بخش ایرانی ( آدرس - تلگرافی نویسنده است ) کالج آمریکائی بیروت .

تألیف کتاب بسرعت لازم و در مصر طبع گردد . عباس

بمجرد وصول تلگراف جناب میرزا ابوالفضل عازم قاهره شدند پس از چندی در آنجا صعود واقع شد و در جوار رحمت کبری مقر و مأوی گزید و کتابش نا تمام ماند و در موقع بد حالی و اغماء دکتر امین الله فرزند میرزا اسدالله اصفهانی یکقسمت از این جزوات را زدیدند که بنام خود طبع و نشر نماید و شهرت جهانی یابد ولی این عمل ناجوانمردانه سبب تکرر خاطر مبارک گردید و موجب طردش از جامعه امرالله شد و لطمه شدیدی بود که بهیگل امرالله وارد ساخت و حضرت عبدالبهاء میفرمودند این زدی سبب زیان و خسراش خواهد گردید سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون - ان ربک لبسا المرصاد .

باری حضرت میرزا ابوالفضل علاوه بر فضل و کمال صوری دارای اخلاق بسیار خوب ملکوتی بود مؤدب متواضع خوش محضر کسم صحبت و روحانی بود اگر کسی طرز شرفیابی

## آهن گ بدیع

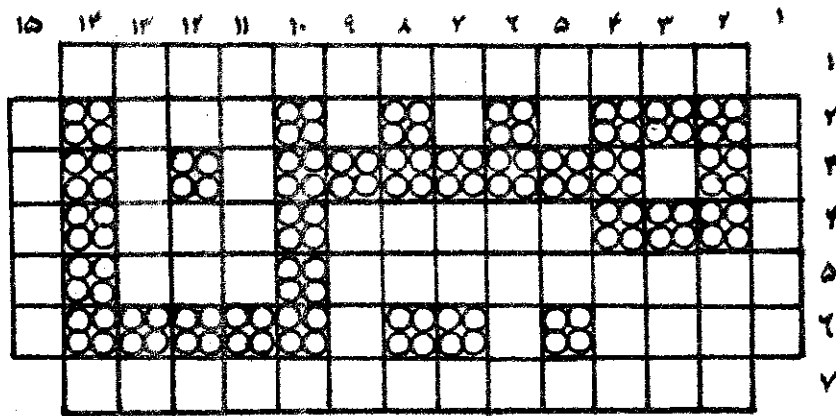
اورا در حضور مبارك میدیدم دانست که — چشم بصیرتی را که او داشت کمتر کسی داشت در موقع تشرف عصارا بیرون میگذشت دستهای بسته لرزان لرزان وارد میشد تمظیم تمام قد میکرد بعد از آنکه از آن جلوس فرمودند مینشست با دستهای بسینه و سر پائین ساکت و غیر متحرك کالمیت فی یدی الفسال بود و اگر سئوالی میفرمودند که لا زم بجواب بود قیام نموده کمال اختصار و با دو سه کلمه جواب عرض میکرد بعد مینشست و تمام مدت حضور سرتاپا گوش بود و مصداق این شعر خواجه :

در حریم عشق نتوان زد دم از گفت و شنید  
زانکه انجا جمله اعضاء چشم باید بود و گوش  
و از بیانات مبارکه اکثر استفاضه و کمال استفاد  
را مینمود و قتیکه از حضور مرخص میشدیم عقب  
عقب بطرف در میرفتو چون بیرون میآمد  
بشاش و خرم و غرق سرور بود و تمام اوقات  
شکر میکرد و از فضل مبارك و موهبت الهی  
سپاسگذاری میکرد و این آیه را میخواند  
” یمنون علیک ان اسلموا قل لا تمنوا علی  
اسلامکم بل الله یمن علیکم ان هدیکم  
للایمان ان کنتم صادقین ” .

بلی جناب میرزا ابوالفضل طلبه بی بیش  
نبودند ولی قوه کلمة الله و نفوذ و تصرف و  
قدرت الهی مشت خاک را رشک افلاک میکند

و عظم رمیم را روح جدید میدمد و یک نفس  
ضعیف و همیکل نحیف را اینطور میموث میکند  
که رشک جهانیان میفرماید که آثار قلمش در  
شرق و غرب مانند آفتاب نور و حرارت میدهد  
و طالبین کوی دوست را هدایت و ارشاد  
میکند و نفات قدسیه اش مانند مشک معطر  
اطراف و جوانب را معنبر مینماید از حالات  
مخصوص آن حضرت آنکه اگر کسی از او تمجید  
میکرد بسیار متأثر میشد و اظهار خجلت و  
شرمساری از قصور خویش مینمود و از ضعف  
و ناتوانی و کسالت و نقاهت تأسف شدید  
میخورد که چرا قادر بخدمت نیست چرا  
آنطوریکه میخواهد و آرزوی قلبی اوست از —  
عهد بر نمیآید و قوه و بنیه آنرا ندارد و  
چنانچه باید و شاید موفق بخدمت و قائم  
بخدمت نیست میفرمودند آرزوی من اینست  
که روزی هزار جان داشته باشم و هر آن —  
قربان حضرت عبدالبهاء نمایم در محافل  
و مجالس ذکر عبودیت و محویت صرفه میکردند  
العیاذ بالله از خود ستای در قاموس ایشان  
کلمه من و انانیت وجود نداشت محو و فانی  
صرف بودند و همیشه زبانش بذکر حق ناطق  
و از فضل و موهبت صاحب امر صحبت —  
میکردند که اگر فضل حق نبود حال منهم  
مانند سایرین میبایستی در گوشه یکی از —  
مساجد بشفل طلبگی مشغول باشم و هرگاه  
(بقیه درص ۳۶)

# جدول انبیا بدیع



طرح و تنظیم از فرهنگ نگارستان

## افقی

- ۱- اثری تاریخی از حضرت عبدالهیا\* در خصوص تاریخ صدر امر ۲- از شهرهای فارس
- ۳- ۴- محل شهادت حضرت اعلی - اگر نسا درهم ریخته نباشد باید با دلبستگی
- مربوط باشد ۵- از القاب ارض اقدس که از قلم حضرت عبدالهیا\* جاری گشته - موطن
- جمال مبارك ۶- راست ۷- از آثار حضرت رب اعلی .

## عمودی

- ۱- اولین عصر مشمشع دور اولای آئین بهائی ۲- در اصطلاح بهائی به دیانت اطلاق
- میشود ۳- از آنطرف حرفی است که در آثار حضرت اعلی مقصود ملاحسین میباشد
- ۴- اینجا ۵- ... و دندان سنائی همه در مدح تو گوید - از حروف اضافه
- ۶- ما افراد بشر هستیم ۷- لیل - پروردگار ۸- تکرار يك حرف ۹- عدد قرن - از اعضای
- بدن ۱۰- ۱۱- از الواح جمال مبارك<sup>کله</sup> حاملش بدیع بود ۱۲- حرف ندا ۱۳- در آثار
- الهی مقصود از آن ادرنه است ۱۴- ۱۵- احکام و تعالیم مبارکه روحانیه در این ظهور
- اعظم .

سؤال میشد که این احاطه علمی و معلومات لانهایات از کجا رسید بشما و چگونه بر غوامض مسائل آگاه شدید و عارف حقیقی گشتید میفرمود دروس و تحصیلات من در مدرسه امرالله بوده و هست و این رشحی از طمطم نام بحر عنایت مرکز میثاق است از خود ابداء قوت و قدرتی نداشته و ندارم و امثال من در ایران بسیار بوده و هستند و الان هم موجودند که بسبب عدم اقبال حالشان معلوم است ولی آنچه بر احباء تابش میکند پرتوی از انوار شمس موهبت محبوب آفاق است که بصرف فضل و عطا مکرمت شده خوان نعمت الهی گسترده است و در خانه خدا باز است هر کس میتواند در ظل رایت میثاق استاد ابوالفضل باشد ابوالفضل کیست ؟

ابوالفضل چیست ؟ حضرت ابی الفضائل همیشه ما را انداز میفرمودند و آگاه و پرانتباه — مینمودند که دشمنان امر و اهریمنان در کمینند خیلی شماها باید هشیار باشید و گول زبان اشخاص را نخورید اهل غرض اول بلباس دوستی و دلسوزی در میآیند تا در دل شماراه یابند و وقتی که خود را جا کردند آنوقت القاء شبهات مینمایند و تیشه بریشه امر میزنند دشمنان امرالله یکی و دوتا و هزارتا نیستند تمام فرق و ادیان و احزاب بمخالفت بر میخیزند و این آیه مبارکه را مکرر میخوانند :

لوانزلنا هذا القرآن علی جبل لرایتہ خاضعا متصدعا من خشية الله همچنین این شعر سمدی را میخوانند :

از آن ما بر پهای راعی ز نند

که ترسد سرش را بگوید بسنگ

میفرمودند جمیع خلق از نفوذ و غلبه امر حق لرزان و هراسانند .

انتهی

۱۵	۱۶	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
م	ق	ا	ل	ه	ش	خ	س	ی	س	ی	ا	ح		
د	ب	ب	د	ل	ا	ر	م							
س				ط	ض	ب								
و	ت	ب	ر	ی	ز	ا	ن	س	ا					
ل	ا	ن	ب	ی	ا	ن	و	ر	د					
ی	م	ی	ن	د	ن				ی					
د	س	ا	ل	م	ن	ب	و	ت	خ	ا	ص	م		

حل جدول مشین